

کابل - 7 جدی 1391 خورشیدی (27 دسمبر 2012 عیسوی)

طالبان؛ مذاکره با مخالفان و مقاطعه با دولت

محمد اکرام اندیشمند

طالبان در حالی که از مذاکره با دولت افغانستان به بهانه ی دولت دست نشانده احتراز میکنند، از گفتگو با دشمنان و مخالفان پیشین خود معروف به ائتلاف شمال سخن میگویند. آخرین نشست که نمایندگان از طالبان با شماری از رهبران اپوزیسیون سیاسی حکومت رئیس جمهور کرزی به خصوص رهبران جبهه مخالف طالبان به گفتگو پرداختند، نشست پاریس بود. این اجلاس بروزهای 30 قوس و اول جدی سال روان 1391 (بیستم و بیست و یکم دسمبر 2012) در پاریس برگزار شد. در این نشست ملا شهاب الدین دلاور و محمد نعیم وردک از دفتر طالبان در قطر به نمایندگی از این گروه شرکت داشتند. نمایندگان جبهه مخالف قبلی آنها و مخالفان سیاسی حکومت کرزی شامل محمدیونس قانونی، احمد ضیاء مسعود، حاجی محمد محقق و فیض الله ذکی بودند.

سیاست طالبان مبتنی بر مذاکره با جبهه متحد قبلی حکایت از همسویی با سیاست اخیر اسلام آباد دارد. دولت پاکستان نیز در ماه های اخیر علاقمندی خود را در مذاکره با مخالفان پیشین طالبان که از سوی زمامداران اسبق پاکستانی به خصوص ژنرال پرویز مشرف ائتلاف شمال نام گرفتند، نشان میدهد. راجا پرویز اشرف نخست وزیر پاکستان در 30 جولای سال روان 2012 عیسوی که به کابل سفر کرد با داکتر عبدالله و احمد ضیاء مسعود وارد گفتگو شد. او از این مخالفان طالبان دعوت بعمل آورد تا به اسلام آباد سفر کنند و با دولت پاکستان مذاکره کنند.

نکته ی اصلی قابل پرسش و بحث به علاقمندی مشترک پاکستان و طالبان در مذاکره با مخالفان و دشمنان قبلی شان است؛ هر چند که طالبان آن مخالفان پیشین و به قول پاکستانیها ائتلاف شمال را هنوز در رسانه ها و تبلیغات خود "شر و فساد" میخوانند. انگیزه و اهداف تحریک اسلامی طالبان از علاقمندی به این مذاکره چیست؟ راز همسویی پاکستان و اسلام آباد به این گفتگو در چه چیزی نهفته است؟ آیا تمایل طالبان به گفتگو با جبهه مخالف قبلی شان به این برمیگردد که طالبان در وضعیت ضعیف سیاسی و نظامی قرار دارند و مخالفان پیشین طالبان یا ائتلاف شمال از موقعیت مناسب و بهتر برخوردار اند؟ طالبان چرا از مذاکره با دولت حاکم برهبری حامد کرزی اجتناب میکنند؟ دولتی که حمایت جامعه بین المللی را دارد و میزان این حمایت از دولت در تاریخ معاصر افغانستان بی سابقه است.

اگر پاسخ این پرسش ها را از موقعیت های سیاسی و نظامی طالبان و جبهه ی مخالف پیشین آنها آغاز کنیم، انگیزه ی طالبان را در مذاکره ناشی از ضعف آنها و قوت مخالفان نمی یابیم. طالبان که ده سال قبل توسط جبهه متحد یا همان ائتلاف شمال در سایه ی حملات سنگین هوایی و موشکی امریکا شکست خوردند و با متحدان القاعده امارت اسلامی خود را از دست دادند، اکنون ده سال بعد دوباره به یک نیروی نظامی خطرناک و تهدید کننده مبدل شده اند و هزاران جنگجوی خود را وارد میدان نبرد با ناتو و حکومت حامد کرزی کردند. برعکس، جبهه مخالفان پیشین طالبان یا اتحاد شمال نه از لحاظ نظامی و نه از لحاظ سیاسی حتی در موقعیت پیشین خود در زمان مقاومت علیه طالبان و القاعده قرار ندارند. نیروهای این جبهه از لحاظ نظامی که در برنامه های دی دی آر و دیاگ خلع سلاح شدند و از لحاظ سیاسی گروه های بسیار متنشت و ناهمگون هستند. آن جبهه ی مقاومت پیشین و منسوبان مسئول آن جبهه نه تنها که رهبری واحد و سیاست روشن و هماهنگ در افغانستان ندارند، بلکه بگونه ی مضحک و رقت باری دارای رهبرهای متعدد حتی در سطح یک خانواده و قریه هستند. هر کدام ساز خود را در میدان سیاست افغانستان می نوازند و هر یک راه خود را میروند. معهذا قوت سیاسی جبهه مخالف طالبان که دیگر وجود ندارد انگیزه و عامل علاقمندی طالبان را در مذاکره تشکیل نمیدهد.

درک انگیزه های اجتناب نفرت انگیز تحریک اسلامی طالبان از مذاکره با حکومت کرزی چندان دشوار نیست. خروج قوای ناتو کم از کم خروج نیروهای شامل در عملیات جنگی آنها از افغانستان تا سال 2014 عیسوی و پایان میعاد زمان قانونی ریاست جمهوری حامد کرزی در این سال طالبان را از مذاکره با دولت افغانستان برهبری کرزی باز میدارد. آیا طالبان در آستانه ی خروج نیروهای امریکایی و پایان ریاست جمهوری کرزی با دولت و رئیس جمهوری که آنها دست نشانده و مزدور امریکا می خوانند مذاکره میکنند؟

انگیزه و علاقمندی طالبان و پاکستان در مذاکره و تفاهم با مخالفان قبلی یا ائتلاف شمال به ایجاد اطمینان و آرامش به آنها در بهره وری از قدرت سیاسی پس از کرزی و خروج قوای خارجی نهفته است. پاکستان و طالبان که خود را پس از 2014 برنده میدانند در صدد آن هستند تا توافق جبهه مخالف پیشین یا ائتلاف شمال را به عنوان گروه های مربوط به اقلیت های قومی در تشکیل دولت آینده حاصل کنند. از دیدگاه طالبان و برداشت پاکستان توافق جبهه مخالف یا ائتلاف شمال به مشارکت در دولت آینده برهبری طالبان بسیار محتمل و عملی تر از هر زمان دیگر است. تفویض چند وزارتخانه برای این مخالفان که در حکومت کرزی نیز از آن برخوردار هستند کلید این توافق تلقی میشود. اگر آنها دسترسی خود را به چند وزارت و یا معاونیت ریاست جمهوری

در دولت فعلی مایه ی رسیدن به اقتدار و تأمین حقوق گروهی خویش میدانند، این حق برای آنها در دولت آینده ی طالبی- پاکستانی نیز میسر است. ممکن است پاکستان و طالبان دسترسی مخالفان را به چند وزارت و ریاست که دیدگاه و مطالبه ای بیشتر از آن ندارند، تضمین کنند. آیا طالبان و پاکستانیها در مذاکره با جبهه متحد یا ائتلاف شمال بدنبال این دیدگاه هستند؟ و آیا مخالفان طالبان در مذاکرات مورد نظر به این امر توافق خواهند کرد؟ موقف امریکا و کشورهای غربی که که ده سال با طالبان جنگیدند و بارها از عدم بازگشت طالبان و القاعده به عرصه اقتدار در افغانستان سخن گفته اند، چیست؟